

## آینده روانشناسی در ایران

### تقلید یا تحقیق

علم روانشناسی به قولی از قدیم ترین شاخه های دانش است زیرا انسان اندیشمند همانطور که به سبب سیر طبیعی تکامل تدریجاً به اکتشاف و تغییر دنیای بیرون مشغول بوده در حالات درونی و انفعالات نفس خود نیز همیشه به کنجکاوی پرداخته است. آثار این کنجکاوی را زمانی دریندازهای اخلاقی و مذهبی گاهی در تفکرات فلسفی زمان باستان مینماییم چون این گونه «روانشناسی طبیعی» خیلی بیشتر از آنکه به صورت علمی مبدون و در نظم ثبت و ضبط گردد بصورتی که گفته شد در بقایای مادی تمدن های گذشته نمایان است .

با وجود این قدرت علم روانشناسی از لحاظ تقدیم علوم و معرفت شناسی تازه قرین دانش های اصلی به شمار می آید زیرا دیر زمانی نیست که مطالعه حالات نفسانی در قلمرو تجربه و تحقیق علمی قرار گرفته است . روانشناسی دیرین فقط از راه درون نگری و تعمیم و اطلاق بی پایه نوعی آگاهی که خواص از نفس خویش پیدا میکنند و به وسیله تفکر فلسفی و تعمق صوری در عوالم درونی میسر میشده . واضح است که معرفت واقعی به اسرار امور روانی با چنین روش هایی حاصل نمیگردند و این باب هم مانند زمینهای دیگر فقط با تحقیق و تتبع علمی و استعمال روش های دقیق تجربه میتوان به کشف حقایق امیدوار بود .

تحول مهمی که روانشناسی را از صورت لفظی و فلسفی در آورده به یک مقوله علمی مبدل ساخته است به وسیله تحقیقات گروهی از دانشمندان اروپا که در قرن نوزدهم میزیسته اند آغاز شده است ، برای نخستین بار این دانشمندان روش های مشاهده و تجربه که در علوم دیگر خاصه در فیزیولوژی متداول بوده اند در مطالعه پدیده های روانی مرسوم ساخته اند و به همین مناسبت روانشناسی بی گفتگو در ردیف دانش های تجربی و طبیعی درآمده است . و همانطور که فی الحال تحقیقات گالیلو و نیوتن بنیان گذار فیزیک و مکانیک عایی بودند و یا تقریر قانون بقای ماده به وسیله لائووازیه کیمیاگری را به علم شیمی مبدل گردانیده ایجاد نخستین آزمایشگاه روانشناسی که در سال ۱۸۷۸ به وسیله ویلیام وونت آلمانی در شهر لایپزیک صورت گرفت سر آغاز فصل علمی روانشناسی به شمار می آید . و اینک نزدیک یک قرن پس از آن تاریخ روانشناسی چنان وسعت و تکاملی یافته که در زمره دانش های اصلی درآمده و شامل شعب و رشته های

متعدد گردیده است. روانشناسی عملی که موضوع آن استفاده از قوانین و روش‌ها و تجزیه و تحلیل و سنجش‌های روانی در شناخت خصوصیات و استعدادهای ذاتی و تسهیل سازگاری او با شرایط و مسایل زندگی میباشد، در زمینه‌های گوناگون از قبیل آموزش و پرورش و پزشکی و اقتصاد و صنعت و آرتس و امور دیگر مورد استفاده است. و بسیاری صاحب‌نظران اعتقاد پیدا کرده‌اند که برای چاره‌جویی بعضی معضلات عمده بشر مانند نابسامانی‌های اجتماعی و سوءنظر بین ملل و جنگ و جدال و غیره نیز باید از روان‌شناسی استمداد کرد.

\*\*\*

در کشور ما روان‌شناسی علمی طی سی سال گذشته به تدریج شناخته شده است و به همت کسانی که در این باب پیشقدم بوده‌اند و به تألیف و تعلیم و تتبع پرداخته‌اند ماهیت روان‌شناسی علمی جدید تا حدی شایع شده و فایده عملی آن نیز مورد توجه قرار گرفته است. به سبب همین مقدمه رشد روان‌شناسی علمی در کشور ما اکنون به آن مقام رسیده که برای پیشرفت بیشتر و نیل به اصالت واقعی و فایده عملی باید پایه این دانش را به جای اقتباس محض از اروپا و آمریکا بر تحقیق و تفکر مستقل استوار نمایم. زیرا قوانین و قواعد روان‌شناسی طبعاً دارای چنان عمومیت و شمول نیستند که بتوان بی‌تردید و تعمق از کشوری به کشور دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر منتقل ساخت و آنها را در همه حال نافذ و مفید دانست. پس اگر به آشنائی صوری با سیر این دانش در اروپا و آمریکا اکتفا نکنیم و درصدد آن باشیم برای تربیت و رفاه مردم و پیشرفت اقتصاد و مطالعه مشکلات اجتماعی از اصول و قواعد روان‌شناسی خود بهره‌مند گردیم همان‌طور که دیگران کرده‌اند ناگزیر باید خود به فکر تحقیق و تتبع باشیم زیرا کار دیگران آن‌طور که به ظاهر تصور می‌رود به حال ما مفید نمیتواند باشد.

حقیقت اینکه در روان‌شناسی مانند بسیاری علوم انسانی و اجتماعی دیگر که به اصطلاح معرفت‌شناسی دارای پیچیدگی زیاد ولی کلیت محدود هستند آنچه عمومیت دارد و در همه حال و همه جا به کار می‌آید روش‌های تحقیق و متدولوژی است. اصول کلی این روش‌ها برای همه علوم تجربی و هرگونه مطالعه علمی یکسان است و در مطالعه مسایل روانی نیز باید از آنها پیروی کرد. البته همیشه میتوان امیدوار بود که در جزئیات و خصوصیات روش‌های تجربی تغییراتی وارد کرد و آنها را برای تحقیق در امر خاصی بهتر و کامل‌تر ساخت ولی در قطعیت و کلیت اصول روش تجربی که اروپائیان در تعریف و تدوین آنها پیشقدم بوده‌اند نمیتوان

تردید داشت. پس آنجا که ما به تبعیت از دیگران ناگزیریم و بی گفتگو باید به تقلید و اقتباس بپردازیم فراگرفتن و به کار بردن صحیح تجربه و تحقیق است.

اما آنجا که بحث از قوانین و نظراتی است که به وسیله تجربه و تحقیق درباره پدیده‌های روانی به دست آمده‌اند چنین کلیت و قطعیتی جاری نیست. شاید یکی از مهم‌ترین قواعد درباره کیفیت و تغییرات پدیده‌های روانی که به کرات مورد تحقیق و تأیید قرار گرفته اینکه چگونگی رفتار فردی و گروهی هر جماعت از همه جهات به خصوصیات فرهنگی و اجتماعی و تاریخی آن بستگی دارد. هر جامعه دارای وجوه تمایز و شخصیت خاصی است که شناخت آنها با تعمیم و اطلاق قوانین از یک مورد به مورد دیگر میسر بلکه مستلزم تجربه و تحقیق تازه می‌باشد.

برای بیان این نکته به ذکر چند مثال از تفاوت‌هایی که مانع کلیت قوانین روان‌شناسی و تعمیم آنها از یک جامعه به جامعه دیگر هستند می‌پردازیم.

یکی از مباحث مهم روان‌شناسی تجربی تحقیق در چگونگی رشد و تکامل روانی آدمی است. در نتیجه تحقیقات دامنه‌داری که روی این موضوع انجام گرفته اکنون مراحل تکوین قوای روانی مانند رشد خصوصیات بدنی به خوبی شناخته شده‌اند. روان‌شناسان تغییرات رفتار کودکان و نوجوانان و بزرگسالان را به صورت‌های گوناگون و به دقت مورد مشاهده قرار داده‌اند و معلوم ساخته‌اند که در سن‌های مختلف چه نوع رفتار و چه قسم استعداد‌های روانی در هر کس پدیدار میشوند و سرعت تطور رفتار و ظهور توانائی‌های روانی تازه در مراحل مختلف چیست و به چه عواملی علی وابسته است. به این ترتیب عمر آدمی را به سه دوران تقسیم کرده‌اند. در دوران اول که از تولد تا حدود بیست‌سالگی است قوای روانی به سرعت در حال رشد و گسترش هستند. در این دوره مایه فطری هر کس از لحاظ ترقی و کمال به ظهور می‌پیوندد، خود این دوره شامل مراحل چندی است مانند شیرخوارگی - کودکی - بلوغ و نوجوانی و هر کدام از این مراحل نیز تقسیماتی دارند که هنجار (فورم) رشد آدمی را برای هر سال و گاهی هر ماه معین میکنند. دوران دوم که به جوانی آغاز میشود و به پیری پایان می‌یابد سنین کمال را شامل است. در این سنین که دوره ثبات زندگی را تشکیل میدهند مایه اصلی قوا و استعداد‌های روانی تغییر قابل ملاحظه‌ای نمی‌یابد ولی بر اثر گذشت زمان و تجربه‌های گوناگون بر پختگی و تعادل رفتار افزوده میشود. پس از این دوران ثبات و کمال پیری آغاز میشود و قوای روانی به تدریج و به طور محسوس رو به

زوال و نقصان مینهند .

این سلسله مراحل که دقایق و جزئیات زیادی را دربردارد و باب مفصلی از علم روانشناسی را تشکیل میدهد متضمن قواعد صریح و دقیقی است که با استفاده از آن میتوان درباره کیفیت خصوصیات روانی افراد قضاوت نمود و نظری بهوجه علمی درباره آینده آنها ابراز کرد . ژرژ هویر روانپزشک پارسی با اشاره به بعضی از این ضوابط و قواعد که برای رشد بدنی و روانی در دوسال اول زندگی معین شدهاند چنین میگوید : « کودکی که در سن یکسالگی به سخن گفتن و راه رفتن آغاز کند در پانزده سالگی به تنظیم نظافت خود قادر گردد و در هجده ماهگی با جملات ساده ای تکلم نماید کودکی به هنجار است و اگر عاملی باعث انحراف سیر طبیعی رشد او نشود آدمی به هنجار به بار خواهد آمد . » و به همین منوال قواعد و ضوابط گوناگونی برای ارزیابی رشد و تکوین خصوصیات بدنی و روانی وضع شدهاند از اندازه قد و وزن هنگام تولد تا حالات و استعداد های روانی عالی مانند هوش و استدلال و سازگاری با محیط و غیره .

حال باید توجه کرد که این قبیل ضوابط و قواعد تجربی فاقد عمومیت و مشمول قوانینی است که مثلاً در فیزیک یا شیمی وضع میشوند : از تحقیقی که درباره رشد قوای کلامی کودکان در کشوری انجام گرفته نمیتوان بدقت و صراحت کافی به چگونگی رشد همین استعداد نزد کودکان کشور دیگری پی برد . چه بسا که مراحل رشد بین مردمان دو ناحیه مختلف یک کشور یکسان نیستند . تفاوت های اجتماعی نیز در این گونه اختلافات دخالت دارند و بالاخره آنچه به تجربه برای میزان رشد گروهی وضع شده است ممکن است چند سال بعد اعتبار خود را از دست بدهد . از این رو این گونه نتایج و ضوابط دائماً مورد تجدید نظر قرار میگیرند تا با شرایط و مقتضیات تازه تطبیق پیدا کنند .

بنابر آنچه گذشت اگر بخواهیم در کشور خود از این قبیل قوانین روانشناسی استفاده نمائیم ناچاریم دست به کار تحقیق شویم و قواعد و ضوابط رشد روانی را برای طبقات مختلف مردم از نو بسازیم . وقتی ضوابط رشد روانی که مثلاً در پاریس وضع شدهاند در لندن و هامبورگ با احتیاط و تردید تلقی میشوند و پس از تغییر و تعدیل به کار میروند ما واقعاً نمیتوانیم امیدوار باشیم که با اقتباس از مدارک خارجی مطالب مفیدی راجع به جزئیات رشد روانی مردم کشور خود به دست آوریم . ما هنوز نمیدانیم هنجار قد و وزن کودک ایرانی هنگام تولد چند است و بهطور متوسط و متعارف با چه سرعتی رشد میکند ، کی سخن گفتن آغاز

میکنند کی خودی از بیگانه و دست راست از چپ تمیز میدهد چگونه میآموزد و استعدادهای مختلف خود را کی و به چه ترتیب بروز میدهد و گروه‌های مختلف مردم این مرحله‌ها را با چه تفاوت‌هایی میپیمایند به چه ضابطه‌ای کسی را از لحاظ روانی میتوان عقب‌مانده نامید یا پیشرفته شمرد.

مورد دیگر که هم از مباحث مهم روان‌شناسی علمی است و هم ناسازگاری روان‌شناسی اروپائی و امریکائی را نسبت به وضع و حال ما به خوبی نمایان میکند مطالعه شخصیت است. آنچه از شخصیت در روان‌شناسی امروز مراد است هیأت روانی کلی هر فرد است که همه خصوصیات بدنی و نفسانی و اخلاقی او را دربردارد. اهمیت مطالعه شخصیت به آن جهت است که در آن به جای تجزیه و تحلیل رفتار به جنبه‌های متعدد مانند هوش و حافظه و استدلال و انگیزه و رغبت و خوی و مزاج و منش و غیره کلیت واحدی که هر فرد را از دیگران متمایز میکند و شیوه خاص بودن و زیستن او را مینماید مورد توجه قرار میگیرد. به همین سبب میتوان گفت که مبحث شخصیت نتیجه و محل تلاقی همه مباحث دیگر روان‌شناسی است.

تحقیقاتی که در این زمینه انجام گرفته‌اند به خوبی نشان میدهند که شخصیت هر کس به شرایط زندگی و نوع تربیت و سازمان اجتماعی که در آن زندگی میکند وابسته است. پس در این مبحث نیز ما نمیتوانیم به تعاریف و قوانینی که در روان‌شناسی مغرب زمین وضع شده‌اند اکتفا کنیم و مثلاً تقسیم‌بندی که از شخصیت و حالات آن برای مردم شهر نشین این کشورها جاری هستند عیناً و بی‌تردید و تعمق برای توصیف مردم کشور خودمان به کار بندیم زیرا که واقعاً مسلم نیست صفات برجسته‌ای که شخصیت ایرانی را نمایان میکنند بمانند که درباره مردم اروپا و امریکا کشف شده‌اند و یا ما از نیک و بد صفاتی خاص داریم که البته دانشمندان مغرب زمین به آن توجهی نداشته‌اند.

مورد سوم که میتوان یادآور شد تا لزوم تردید و احتیاط در استفاده از روان‌شناسی مغرب زمین معلوم گردد مجموع مفاهیم و نظرات راجع به روان‌کاوی است. شاید هیچکدام از مضامین روان‌شناسی به اندازه روان‌کاوی مورد تعبیر و تفسیر نابجا قرار نگرفته است. از طرف دیگر مفاهیم روان‌کاوی به علت اینکه عواطف و هیجان‌های باطنی آدمی سروکار دارند جلوه خاصی پیدا میکنند و بیش از هر مبحث دیگر روان‌شناسی در افواه عام شایع و منتشر شده‌اند. انتشار مفاهیم روان‌کاوی به حدی است که هر کس کمترین رغبت به روان‌شناسی

دارد به احتمال زیاد نخستین مطالبی که در ذهن خود جای خواهد داد کلماتی مانند روان کاوی و عقده حقارت و غریزه جنسی و نظایر آن خواهد بود و باینکه نزدیک هفتاد سال از پیدایش روان کاوی میگذرد و صاحب نظران بسیار در این علم پیدا شده اند تنها نام فروید را به خاطر خواهد سپرد. چندی پیش نگارنده برای آگاهی از معلومات کلی گروهی دانشجوی تازه کار که در روان شناسی به تحصیل آغاز میکردند و مطالعه علل علاقه و رغبتی که به این علم ابراز کرده بودند سؤالاتی مطرح کردم، نتیجه اینکه روان کاوی بیش از هر موضوع دیگر طرف علاقه این دانشجویان بود و اطلاعات اجمالی راجع به روان شناسی که با مطالعات شخصی کسب کرده بودند هم در این موضوع از هر بحث دیگری بیشتر بود.

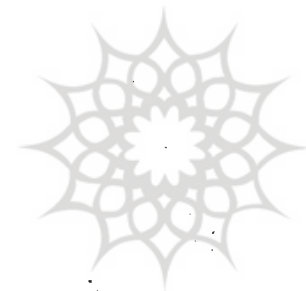
به سبب همین استقبالی که از روان کاوی میشود و اثری که این علم در افکار عام باقی میگذارد احتیاط در انتشار این مفاهیم که فعلاً به تقلید از گفته های دیگران صورت میگیرد و نقد و تعدیل آنها با اهمیت بیشتری باید طرف توجه باشد. در این که پدیده های روان کاوی به شرایط زندگی فردی و نظام و سن خاص هر اجتماعی بستگی زیاد دارد تردیدی نیست تحقیقات دامنه دار معلوم ساخته اند که روان کاوی اصلی آنطور که فروید شست و اندی سال پیش بنا کرده است در جامعه های دیگر عیناً قابل تقلید نیست. این تحقیقات غالباً صورت مطالعه تطبیقی بین جوامع مختلف از لحاظ کیفیت پدیده های روان کاوی داشته اند و در روان شناسی به نام مکتب مردم شناسی شهرت پیدا کرده اند و کسانی مانند « مارگارت مید » — « مالدینوسکی » — « گارن هورنی و فروم » در آن پیشقدم بوده اند یادآوری شمه ای از این تحقیقات سبب اطلاع کلام خواهد بود ولی همینقدر میتوان اطمینان داشت که یک رشته تحقیقات برای تطبیق مفاهیم روان کاوی به شرایط اجتماعی و سن فرهنگی خاص ما نتایج تازه ای دربر خواهد داشت و تا چنین تعدیل و تطبیقی صورت نگرفته استفاده از این علم که محصول تمدن اروپا و وابسته به شرایط اجتماعی آن نقاط است در کشورها باید به احتیاط زیاد مقید گردد.

غرض اینکه موضوع روان شناسی مطالعه رفتار یعنی طرز بودن و زیستن آدمی است یا به تنهایی یا به صورت گروه های مشکل و در گرد جوامع. علمی به نام روان شناسی مطلق که شامل همه گونه حقایق باشد و رفتار و خصایص انسان را به طور کامل بیان کند وجود ندارد. قوانین روان شناسی اگر به قدر کافی صریح و جامع باشند که برای تعیین رفتار واقعی افراد یاری کنند برخلاف قوانین فیزیک و شیمی و فرآورده های مادی و صنعتی از تمدنی به تمدن دیگر قابل انتقال نیستند. خصوصیات

روانی هر ملت باید به‌طور مجزی مورد مطالعه و تحقیق قرار گیرند . اگر همه نوع بشر در میراث زیستی و بعضی صفات روانی مشترکند وجه تمایز ملل و تمدن‌ها را که طبعاً مهم‌تر و جالب‌تر است نباید از نظر به‌دور داشت و متوجه بود که وجه اشتراك واقعی بین همه‌گونه روان‌شناسی در متن مضامین و قوانین نیست بلکه در روش تحقیق است که کلیت دارد و باید درست آموخت و به‌کار بست .

پس به‌اصالت روان‌شناسی و فایده عملی آن در کشور ما به‌شرطی میتوان امیدوار بود که کار تحقیق و تتبع رونقی به‌خود گیرد . توجه به‌این امر و تسهیل وسایل تحقیق در روان‌شناسی و همچنین در علوم انسانی و اجتماعی دیگر از مسایل امروز ایران است .

پایان



شؤءه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی